

بررسی وضعیت شیعیان در حلب عهد بنی‌مرداس

حبیب زمانی محبوب^۱

احمد بادکوبه هزاوه^۲

چکیده: از وقایع مهم سده پنجم هجری قمری در منطقه شامات، شکل‌گیری امارت‌های محلی در بخش‌های مختلف است. یکی از این امارت‌ها به نام بنی‌مرداس است که از سال ۴۱۴ تا ۴۷۲ هجری قمری بر شهر حلب و بخش‌هایی از شهرهای اطراف آن حکم راندند و با حمایت و تشویق دانشمندان و بزرگان شیعه، سبب نشر تشیع در حلب و پیرامون آن شدند. در این مقاله ضمن گزارش چگونگی به قدرت رسیدن حکومت شیعی مرداسیان، وضعیت تشیع و شیعیان حلب در این دوره و چگونگی تعامل و برخورد امرای بنی‌مرداس با علما، فقها و شرعای شیعی بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: بنی‌مرداس، حلب، تشیع، فاطمیان

۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران Zamani 1358 @ Gmail.Com
۲ دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران badkoubh45@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۱، تاریخ تأیید: ۹۱/۴/۲۷

Studying the Shi'ites Status in Halab in Mirdasids Era

Habib Zamani Mahjoob¹

Ahmad Badkoobeh Hazaveh²

Abstract: One of the important events in 5th century A.H. in Shamat region, is the establishment of domestic governments in the various parts. One of these governments was Mirdasids that governed Halab and some surrounding cities from 414 to 472 A.H. and by protecting and encouraging Shiite scholars and elites Caused dissemination of Shi'ism in that region. This paper in addition to study the Mirdasids Shi'ite government uprising to power, explain shiites status in Halab in that era and the interaction of Mirdasids government with Shi'ite *Ulema* (theologians), jurists and poets.

Keywords: Mirdasids, Halab, Shi'ism, Fatimids

1 Phd.D.Student of Islamic Nations' History and Civilization, Islamic Azad University, Tehran Faculty of Sciences and Researches

2 Associated Professor of Theology and Islamic Knowledge Faculty in Tehran University
badkoubh45@gmail.com

مقدمه

دولت بنی‌مرداس پس از حمدانیان دومین حکومت شیعی در شمالی شام به مرکزیت حلب بود که هر چند در شهرت و عظمت به پای حمدانیان نمی‌رسید، در گسترش و رونق مذهب شیعه در حلب نقش برجسته‌ای داشته است.

بررسی وضعیت شیعه در دوره بنی‌مرداس که حائل بین دو قدرت رو به افول عباسیان سنی مذهب و فاطمیان شیعی مذهب بودند، اطلاعات ارزشمندی درباره حیات سیاسی و اجتماعی شهر حلب - مرکز حکومت بنی‌مرداس - به دست می‌دهد. این موضوع مهم تا به حال به طور خاص بررسی نشده و در خصوص آن پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. البته درباره مرداسیان کتابی با عنوان *بنومرداس الکلابیون فی حلب و شمال الشام* توسط محمد احمد عبدالمولی نوشته شده است که آن هم تنها به مباحث سیاسی و حکومتی بنی‌مرداس توجه کرده و به مسائل اجتماعی و فرهنگی، از جمله اوضاع مذهبی و دینی، نپرداخته است. در مجموع، آنچه مورخان درباره این حکومت نقل کرده و متأخران از آن‌ها پیروی نموده‌اند، جز شرح نزاع‌های سیاسی و نظامی آن‌ها با حاکمان معاصر خود نیست. از این رو پژوهش درباره موضوع نوشتار حاضر امری دشوار و درعین حال ضروری است.

در این پژوهش، پرسش اصلی بدین گونه است: اوضاع شیعیان حلب در دوره مرداسیان چگونه بوده و حاکمان مرداسی چه نقشی در گسترش مذهب تشیع داشته‌اند؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه مورد نظر چنین مطرح می‌گردد: حکومت بنی‌مرداس و نیز حمایت آن‌ها از علما و شعرای شیعی، عامل اصلی رشد تشیع و روند رو به رشد شیعیان حلب بوده است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی، با استفاده از منابع دست اول و کهن و نیز بهره‌گیری از مطالعات و تحقیقات جدید است.

بنی‌مرداس

بنی‌مرداس متسبب به قبیله بنی‌کلاب بن‌ربیعیه از بطون بنی‌عامر بن صعصعه^۱ و از اعراب عدنانی‌اند.^۲

۱ عبدالرحمن بن خلدون (۱۳۹۱ق/۱۹۷۱م)، تاریخ، ج ۴، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ص ۲۷۱؛ ابی‌العباس احمد بن علی - قلقشنندی [بی‌تا]، صبح‌الاعشی، ج ۱، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي المؤسسة المصرية العامة، ص ۳۴۰.
۲ ابن‌العديم (۱۳۷۰ق/۱۹۵۱م)، *زبدة الحلب من تاریخ حلب*، تحقیق سامی الدخان، ج ۱، دمشق: المعهد الفرنسي بدمشق، ص ۱۱۱؛ ابن‌خلکان، (۱۳۶۴ ش). *وفیات الاعیان*، ج ۲، قم: منشورات شریف الرضی، ص ۴۸۷؛ محمد احمد عبدالمولی (۱۹۸۵)، *بنومرداس الکلابیون فی حلب و شمال الشام*، اسکندریه: دار المعرفة الجامعیه، ص ۱۱.

سکونتگاه اصلی آن‌ها در دوران جاهلی، نزدیک یترب بود و بعدها به یمامه کوچ کردند. بنی کلاب در اوایل سده چهارم هجری قمری به منطقه‌ای در نزدیکی شام نقل مکان کرده و رفته رفته در این منطقه نفوذ یافتند؛ به گونه‌ای که در زمان حکومت بنی حمدان مایه در دسر آن‌ها بودند.^۱

پس از سقوط حمدانیان، اوضاع سیاسی در شمال شام و مرکز آن یعنی حلب بسیار آشفته بود. خلفای فاطمی و عباسی از یک سو، و امپراتوری بیزانس از سوی دیگر، چشم به حکومت حلب دوخته بودند؛^۲ تا آن‌که فاطمیان توانستند بر حلب مسلط شوند. امیران محلی با بهره‌گیری از این کشمکش‌های سیاسی، گاه گاهی بر فرمانروایان شهر می‌شوریدند. یکی از این امیران ابوعلی صالح بن مرداس (اسدالدوله) رهبر قبیله بنی کلاب بود که در پی شوریدن مردم بر ابونصر بن لوئو جراحی فرمانروای فاطمی حلب، در سال ۴۱۴ هـ ق بر این شهر مسلط شد و حکومت بنی مرداس را بنا نهاد.^۳ وی پس از چندی دامنه متصرفاتش را به حمص، بعلبک، صیدا و غانه گسترش داد.^۴ صالح فرمانروای حلب بود تا آن‌که در سال ۴۲۰ خلیفه فاطمی الظاهر (۴۱۱ - ۴۲۷ هـ ق) امیر الجیوش انوشکین دزبری،^۵ فرمانروای دمشق را به جنگ صالح فرستاد. در این رویداد، صالح و پسر کوچکش کشته شدند؛ ولی نصر پسر بزرگ صالح از

۱ ابن‌عدهیم، زبده الحلب، ج ۱، ص ۱۱۱؛ خاشع معاضیدی (۱۹۷۵م)، الحیاة السیاسیة فی بلاد الشام خلال العصر الفاطمی، بغداد: دار الحریة للطباعة، صص ۷۱ - ۷۲.

۲ شوقی شعث (ايلول ۱۹۹۰م)، «امارة حلب فی عهد بنی مرداس و علاقاتها الخارجیة»، دراسات تاریخیة، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۱۴۹؛ عبدالمولی، همان، ص ۶.

۳ علی بن محمد بن اثیر (۱۳۸۶ق/۱۹۹۶م)، الکامل فی التاریخ، ج ۹، بیروت: دارصادر، صص ۲۱۰ - ۲۱۱، ۲۲۷ - ۲۳۱؛ ابن خلکان، همان، ج ۲، ص ۴۸۷؛ ابن‌عدهیم، ابی‌نا، بعیة الطلب فی تاریخ حلب، تحقیق سهیل زکار، ج ۱، بیروت: دارالفکر، صص ۲۳۰، ۵۴۵؛ محمد راغب طبایح الحلبي (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، حلب: دارالقلم العربی، الطبعة الثانية، ج ۱، ص ۲۸۸؛ عبدالمولی، همان، صص ۶ و ۱۱؛ محمد کردعلی (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م)، خطط الشام، ج ۱، دمشق: مكتبة النوری، ص ۲۲۲؛ عبدالفتاح رؤاس قلعه‌جی (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)، حلب القدیمة و الحدیثة، بیروت: مؤسسة الرسالة، ص ۳۴۵؛ کامل البالی الحلبي (غزی) (۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م)، نهر الذهب فی تاریخ حلب، ج ۳، حلب: دارالقلم العربی بحلب، ص ۶۰ در برخی منابع نیز سال ۴۱۵ هـ ق را سال به قدرت رسیدن ابوعلی صالح بن مرداس ذکر کرده‌اند (رک: محمد بن علی عظیمی الحلبي (۱۹۸۴)، تاریخ حلب، تحقیق ابراهیم زعور، دمشق: ابی‌نا، ص ۲۳۶).

۴ ابن‌خلدون، همان، ج ۴، ص ۲۷۲؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۹، ص ۲۳۱؛ ابن‌عدهیم، زبده الحلب، ج ۱، ص ۲۳۰؛ عظیمی الحلبي، همان، ص ۳۲۷.

۵ درباره «نوشکین دزبری» رک: ابن‌خلکان، همان، ج ۲، ص ۴۸۷؛ ابی‌علی حمزة بن القلانسی (۱۹۰۸م)، ذیل تاریخ دمشق، بیروت: مطبعة الاباء الیسوعیین، ص ۷۶؛ شمس‌الدین محمد بن احمد ذهبی (۱۴۱۳ق/۱۹۹۳)، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، بیروت: مؤسسة الرسالة، صص ۵۱۱-۵۱۳؛ جمال‌الدین یوسف ابن تغری بردی الاتابکی ابی‌نا، النجوم الزاهرة، ج ۵، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي المؤسسة المصریة العامه، ص ۳۴.

مهلکه جان به در برد و به حلب بازگشت و اداره امور را به عهده گرفت.^۱ فرمانروایی ابو کامل نصر بن صالح بن مرداس (شبل‌الدوله) تا سال ۴۲۹ هجری ادامه یافت. در این سال خلیفه المستنصر فاطمی (۴۲۷-۴۸۷ هجری) سپاهی به فرماندهی انوشکین دزبری به جنگ او فرستاد. در این نبرد شبل‌الدوله شکست خورد و کشته شد.^۲ در پی این واقعه، انوشکین دزبری حلب را تصرف کرد و از رمضان ۴۲۹ تا ۴۳۳ هجری به نام فاطمیان در حلب و دیگر نواحی شام فرمان راند. در این مدت حلب از فرمانروایی بنی‌مرداس بیرون رفت.^۳ در سال ۴۳۴ هجری بنی‌مرداس به رهبری ثمال بن صالح بن مرداس (معزالدوله) (۴۳۴-۴۵۴ هجری) دوباره توانستند به یاری مردم شهر بر حلب مسلط شوند.^۴ در زمان حکومت ثمال، فرمانروایی حلب چند بار بین فاطمیان و بنی‌مرداس جابه‌جا شد.^۵ ثمال در سال ۴۴۹ هجری به دنبال اختلافش با بنی‌کلاب، حلب را به فرستاده دولت فاطمی سپرد و بدین سان این شهر طی سال‌های ۴۴۹ تا ۴۵۲ هجری به دست کارگزاران فاطمی افتاد.^۶ در سال ۴۵۲ هجری رشیدالدوله محمود پسر شبل‌الدوله، حلب را به یاری اهالی شهر از دست فاطمیان بیرون آورد. دولت فاطمی از ثمال یاری خواست و او در سال ۴۵۳ هجری با سپاهی که حکومت مصر به وی داده بود، به حلب آمد و بار دیگر شهر را تسخیر کرد.^۷ این جابه‌جایی قدرت در حلب از ضعف خلافت فاطمی و نابسامانی پایه‌های قدرت امرای محلی بنی‌مرداس حکایت می‌کند.

ثمال در سال ۴۵۴ هجری در بازگشت از جهاد با رومیان، در نزدیکی حلب درگذشت. پس از ثمال، برادرش عطیه بن صالح کم‌تر از یک سال بر حلب سلطه یافت ولی در جنگ قدرت، حکومت حلب را به برادرزاده‌اش محمود بن نصر وا گذاشت و خود به حکومت بر رقه بسنده

۱ ابن‌خلدون، همان‌جا؛ ابن‌اثیر، همان‌جا؛ ابن‌خلکان، همان، ج ۴، ص ۴۸۷؛ عظیمی‌الحلبی، همان، ص ۳۲۹؛ مقریزی، *تعاض الحنفی*، ج ۲، ص ۱۷۸.

۲ ابن‌عدیم، *زبده‌الحلب*، ج ۱، صص ۲۵۰-۲۵۱؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۹، ص ۲۳۱؛ ابن‌قلانسی، همان، ص ۷۴؛ عظیمی‌الحلبی، همان، ص ۳۳۲؛ مقریزی، همان، ج ۲، ص ۱۷۶.

۳ ابن‌خلدون، همان، ج ۴، ص ۲۷۲؛ ابن‌قلانسی، همان، صص ۷۵-۸۲؛ مقریزی، همان، ج ۲، صص ۱۸۲، ۱۸۶.

۴ ابن‌خلدون، ج ۴، ص ۲۷۳؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۹، ص ۲۳۱؛ ابن‌عدیم، *زبده‌الحلب*، ج ۱، ص ۲۵۶؛ عظیمی‌الحلبی، همان، ص ۳۳۵؛ مقریزی، همان، ج ۲، ص ۱۸۷.

۵ ابن‌خلدون، همان، ج ۴، ص ۲۷۴. همچنین نک: صلاح‌الدین خلیل بن ابی‌بکر صفدی (۱۴۲۵ق/۲۰۰۵م)، *الوافی بالوفیات*، ج ۷، بیروت: دارالفکر، ص ۳۲۴؛ عبدالمولی، همان، صص ۹۱-۱۰۲.

۶ ابن‌خلدون، همان‌جا؛ ابن‌قلانسی، همان، ص ۸۶.

۷ ابن‌خلدون، همان‌جا؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۹، صص ۲۳۲-۲۳۳، ج ۱۰، صص ۱۱-۱۲؛ ابن‌قلانسی، همان، ص ۹۰.

کرد.^۱

حادثه مهم دوره حکومت رشید الدوله محمود بن نصر (۴۵۴ - ۴۶۷ هـ ق)، رویگردانی از فاطمیان و پذیرش خلافت عباسیان است.^۲ دلیل این امر، تاخت و تاز و فشار سلجوقیان^۳ (۴۲۹ - ۵۹۰ هـ ق) و قدرت گرفتن عباسیان در پرتو حمایت ترکان سلجوقی از یک سو و زوال نفوذ فاطمیان در منطقه از سوی دیگر است. محمود با بزرگان شیعی حلب به رایزنی پرداخت و آنان را متقاعد ساخت که بهتر است برای حفظ امنیت شهر و مردم، خطبه به نام خلافت عباسی بخوانند.^۴ بدین ترتیب، از سال ۴۶۳ به نام خلیفه عباسی، القائم (۴۲۲ - ۴۶۷ هـ ق) و پادشاه سلجوقی آلبارسلان (۴۵۵ - ۴۶۵ هـ ق) خطبه خوانده شد.^۵ بیشتر مردم این تغییر مذهب را پذیرفتند، اما برخی شیعیان از پذیرش آن سر باز زدند.^۶ به نقل منابع، آنان حصیرهای مسجد جامع حلب را جمع کردند و گفتند: اینها حصیرهای علی^(ع) است؛ ابوبکر خود حصیر بیاورد تا مردم بر آن نماز بخوانند.^۷

جانشین محمود بن نصر، فرزندش نصر بود که از سوی درباریان به فرمانروایی برگزیده شد.^۸ جلال الدوله نصر بن محمود (۴۶۷ - ۴۶۸ هـ ق) در فتنه سپاهیان ترکان کشته شد و برادرش سابق بر تخت فرمانروایی نشست.^۹ ابوالفضایل سابق بن محمود (۴۶۸ - ۴۷۲ هـ ق) واپسین امیر مرداسی است.^{۱۰} وی حاکمی ناتوان بود. در زمان او بر اثر درگیری بین سربازان مزدور ترک و بنی-کلاب، قدرت آل مرداس به تدریج به ضعف گرایید.^{۱۱}

۱ ابن عدیم، زبده الحلب، ج ۱، صص ۲۷۹ - ۲۸۰؛ ابی الفرج عبدالرحمن بن علی محمد بن جوزی (۴۱۲/ق ۱۹۹۲م)، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۶، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۷۵؛ ابن حنبلی الحلبی (۱۴۰۹/ق ۱۹۸۸م)، الزید و الضرب فی تاریخ حلب، کویت: منشورات مرکز المخطوطات و التراث، ص ۲۸؛ عظیمی الحلبی، همان، ص ۳۴۵؛ ابن تغری بردی، همان، ج ۵، ص ۱۰۰؛ ذهبی، همان، ج ۱۸، ص ۳۵۸.

۲ مقریزی، همان، ج ۲، ص ۳۰۲.

۳ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۶۴.

۴ ابن خلدون، همانجا؛ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۶۳.

۵ ابن عدیم، زبده الحلب، ج ۲، ص ۱۷؛ ابن اثیر، همانجا؛ عظیمی الحلبی، همان، ص ۳۴۸.

۶ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۲؛ سهیل زکارلی تا، اماره حلب، دمشق: دار الكتاب العربی، ص ۲۱۵.

۷ ابی الفضل محمد بن شحنه (۱۴۰۴/ق ۱۹۸۴م)، التر المنتخب فی تاریخ مملکه حلب، دمشق: دار الكتاب العربی، ص ۱۰۹؛ ابن عدیم، زبده الحلب، ج ۲، ص ۱۸؛ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۶۳.

۸ ابن خلدون، همانجا؛ ابن عدیم، زبده الحلب، همان، ج ۲، ص ۴۵؛ ابن قلاسی، همان، ص ۱۰۸؛ ذهبی، همان، ج ۱۸، ص ۳۵۸.

۹ ابن اثیر، همان، ج ۹، ص ۲۳۴؛ ذهبی، همان، ج ۱۸، ص ۳۴۹.

۱۰ ابن عدیم، زبده الحلب، ج ۲، ص ۵۳.

۱۱ عبدالمولی، همان، صص ۱۸۲ - ۱۸۵؛ طباح الحلبی، همان، ج ۳، صص ۳۰۶ - ۳۰۷.

با تضعیف حکومت بنی‌مرداس، تئش پسر آلب‌ارسلان، در سال ۴۷۲ پس از تسخیر دمشق، به حلب لشکر کشید و شهر را محاصره کرد.^۱ مردم حلب که از تسلط ترکان سلجوقی بیمناک بودند، نماینده‌ای نزد مسلم بن قریش عقیلی،^۲ امیر موصل، فرستادند تا شهر را به او واگذارند. در نتیجه مسلم به حلب لشکر کشید و سابق را در قلعه این شهر محصور کرد.^۳ سرانجام در اوایل ۴۷۳ با تسلیم قلعه حلب، دولت بنی‌مرداس برافتاد و تنها برخی از شهرهای کوچک به بازماندگان این خاندان واگذاشته شد.^۴

شهر حلب

حلب دومین شهر مهم شامات پس از دمشق، و مرکز شمال شام محسوب می‌شد. حلب در لغت به معنای «شیر دوشیده» و مترادف با حلب است. درباره وجه تسمیه آن نیز گفته‌اند که چون ابراهیم^(ع) در روزهای جمعه در این محل که تپه ای بود از گوسفندانش شیر می‌دوشید و به فقرا صدقه می‌داد و آنان می‌گفتند: «حلب، حلب»؛ رفته رفته، این نام بر این منطقه اطلاق گردید.^۵

حلب در سال هفدهم هجری قمری به دست ابو عبیده جراح و به فرماندهی عیاض بن غنم - فهری فتح شد.^۶ این شهر در سده‌های اسلامی به «حلب الشهباء»^۷ معروف بود و اکنون نیز گاهی در مطالعات جدید به این نام از آن یاد می‌شود.^۸ اداره حلب در عهد خلفای راشدین و امویان زیر نظر والی قنسرین بود که از مرکز خلافت تعیین می‌شد.^۹ تا آن که طولونیان (۲۵۴ - ۲۹۲

- ۱ ابن اثیر، همان، ج ۹، ص ۴۳۴؛ مقریزی، همان، ج ۲، ص ۳۲۰.
- ۲ در زمینه امرای بنی‌عقیل، نک: باسورث، همان، صص ۹۴ - ۹۶.
- ۳ ابن عدیم، زبده الحلب، ج ۲، صص ۶۷ - ۷۰؛ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۲۷۵؛ ابن جوزی، همان، ج ۱۶، ص ۲۰۶؛ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، صص ۱۱۴ - ۱۱۵؛ ابن قلاتسی، همان، ص ۱۱۳.
- ۴ ابن عدیم، بغیة الطلب، ج ۱، ص ۵۴۵؛ ابن عدیم، زبده الحلب، ج ۲، ص ۷۰؛ عظیمی الحلبي، همان، ص ۳۵۱؛ غزی، همان، ج ۳، ص ۶۶؛ عبدالمولی، همان، صص ۱۸۵ - ۱۸۶.
- ۵ ابن عدیم، زبده الحلب، ج ۱، صص ۹ - ۱۱؛ یاقوت حموی (۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م)، معجم البلدان، ج ۲ بیروت: دار صادر، ص ۲۸۲؛ ابن شحنة، همان، ص ۲۶؛ طباطبائی، همان، ج ۱، ص ۸۳.
- ۶ بلاذری (۱۳۸۱ ق / ۱۹۷۸ م)، فتوح البلدان، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۱۵۲؛ ابن عدیم، زبده الحلب، ج ۱، ص ۲۷؛ یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۸۵؛ ابن شحنة، همان، ص ۳۱.
- ۷ نک: طباطبائی الحلبي، همان، ج ۱، صص ۷۹ - ۸۳. این بدان سبب است که چون از نقطه‌ای مشرف بر تمام شهر نگریسته شود، آنجا یکپارچه سفید دیده می‌شود.
- ۸ نک: قلعه جی، همان، صص ۱۱ - ۲۵.
- ۹ ابن خردادبه (۱۳۷۰)، المسالك والممالک، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: نشر نو، ص ۵۸؛ بلاذری، همان، ص ۱۵۲؛ محمدبن - حوقل (۱۹۳۸ م)، صورة الارض، ج ۱، لیدن: بریل، ص ۱۷۷.

هق) و سپس اخشیدیان (۳۲۳ - ۳۵۸ هق) بر مصر و شام سلطه یافتند و اداره حلب را نیز به دست گرفتند. پس از سقوط اخشیدیان، حلب به دست آل حمدان (۲۹۳ - ۳۹۴ هق) افتاد که با دوران اوج شکوفایی این شهر مصادف است.^۱ در دوره حمدانیان به ویژه در عصر سیف الدوله (مؤسس حمدانیان حلب)، این شهر چنان رشد یافت که در هیچ یک از دولت‌های پیشین سابقه نداشت.^۲ در دوره بنی مرداس نیز حلب به عنوان مرکز حکومت، شکوه و اعتبار دوره حمدانی خود را حفظ کرد. ناصر خسرو، جهانگرد و داعی اسماعیلی که در سال ۴۳۸ - در دوره حکومت مرداسیان - از این شهر بازدید کرده، حلب را شهری نیکو و آبادان توصیف نموده است.^۳

حلب روزگاری از پایگاه‌های مذهب تشیع و از مراکز شیعه‌نشین منطقه شام بوده است. برخی، نفوذ تشیع در حلب را از زمان تبعید ابوذر به شام - به دستور عثمان - و نیز از سده دوم هجری قمری، همزمان با هجرت آل ابی‌شعبه از عراق به حلب می‌دانند.^۴ به نظر می‌رسد سخن این عده صحیح نباشد. شاید تبعید ابوذر به شام یا هجرت آل ابی‌شعبه به حلب سبب آشنایی مردم منطقه با مذهب تشیع شده باشد، اما تا سده چهارم شیعیان نفوذ چندانی نداشته‌اند و شمار سنیان بیش از شیعیان بوده و علمای حلب نیز بنابر مذهب اهل سنت - به ویژه مذهب ابوحنیفه - فتوا می‌دادند.^۵

از دوره حمدانیان، با اعلام مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی حکومت و حمایت از خاندان‌ها و علمای مشهور شیعی، دوران رشد و اعتلای شیعه در شهر حلب آغاز و بر شمار شیعیان آنجا افزوده شد.^۶ کردعلی از برگزار آیین‌های شیعی به ویژه گرامی‌داشت عاشورا و برگزاری مراسم خاص آن روز در حلب عصر حمدانی یاد می‌کند.^۸

- ۱ ابراهیم‌علی طرابلسی (۲۰۰۷م)، *التشیع فی طرابلس و بلاد الشام*، بیروت: دارالساقی، ص ۶۹.
- ۲ فیصل سامر (۱۳۸۰)، *دولت حمدانیان*، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگوزلو، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، صص ۳۲۳-۳۳۵.
- ۳ ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۵۴)، *سفرنامه*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، صص ۱۶ - ۱۷.
- ۴ احمد بن علی نجاشی [بی تا]، *رجال النجاشی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، صص ۲۳۰-۲۳۱؛ کردعلی، ج ۶، ص ۲۴۶؛ ابراهیم-نصرالله (۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م)، *حلب و التشیع*، بیروت: مؤسسه الوفا، صص ۱۷ و ۱۹.
- ۵ ابن عدیم، *زبدة الحلب*، ج ۱، ص ۱۴۴؛ ابن عدیم، *بغیة الطلب*، ج ۱، ص ۶۰.
- ۶ سید محسن امین (۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م)، *اعیان الشیعه*، ج ۹، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ص ۱۱۹؛ طباطبائی، همان، ج ۱، صص ۲۷۹ - ۲۸۰؛ غزی، همان، ج ۱، ص ۱۵۴.
- ۷ ابن عدیم، *بغیة الطلب*، همان‌جا؛ کردعلی، همان، ج ۶، ص ۲۴۷؛ غزی، همان، ج ۱، ص ۱۵۵؛ زکار، همان، ص ۲۱۲؛ نصرالله، همان، ص ۲۰؛ حسن سبیتی (۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۲م)، «حلب»، *دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة*، ج ۱۱، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ص ۱۲۸.
- ۸ کردعلی، همان، ج ۶، ص ۲۸۵.

مشهد رأس‌الحسین و مشهدالدکّه دو بنای مذهبی مهم شهر حلب محسوب می‌شدند که در طول تاریخ محل بزرگداشت شیعیان حلب و مورد احترام آنان بوده‌اند.^۱ مشهد رأس‌الحسین زیارتگاهی است در کوه جوشن که محل توقف شبانه اسرای کربلا و جای نگهداری سر مبارک امام حسین^(ع) روی سنگی است^۲ که هم اکنون نیز موجود می‌باشد. قبرستان جوشن که در نزدیکی همین مشهد قرار دارد، مزار عالمان بزرگ شیعه از سده‌های پنجم و ششم هجری قمری از جمله ابن‌شهر آشوب (د. ۵۸۸ هـ.ق)، سیدابوالکارم ابن‌زهره (د: ۵۸۵) و ... است.^۳

مشهد الدکّه نیز زیارتگاهی در غرب حلب به نام محسن بن حسین بن علی^(ع) است.^۴ این مکان از آن رو به «دکّه» معروف است که سیف‌الدوله حمدانی بر کوه مشرف به آن، دکه‌ای داشته که در آن می‌نشسته و به منظره‌های اطراف می‌نگریسته است. ابن‌شحنه می‌گوید که این مشهد در سال ۳۵۱ هـ.ق ظاهر شد. ماجرا از این قرار است که سیف‌الدوله در یکی از روزهایی که در دکه نشسته بود، نوری دید که بر مکان کنونی مشهد الدکّه فرود آمد و این عمل چندین بار تکرار گردید. پس خود به این مکان رفت و به کندن آنجا پرداخت و در آن سنگی یافت که بر آن نوشته شده بود: هذا المحسن بن الحسين بن علي بن ابي طالب. وی علویان را گرد آورد و درباره آن پرسید. آن‌ها گفتند وقتی اسیران و زنان امام حسین^(ع) را از این مکان می‌بردند، فرزند یکی از زنان سقط شده است. پس سیف‌الدوله به عمارت آنجا اقدام کرد، چرا که این ماجرا را اذن خدا برای ساخت زیارتگاه پنداشت.^۵ در دوره بنی‌مرداس بر این عمارت افزوده شد و مؤذن و امام برای آن تعیین گردید.^۶

وضعیت شیعیان حلب در دوره مرداسی‌ها

مرداسی‌ها، شیعه مذهب و به احتمال قوی شیعه اثناعشری بودند؛^۷ از این رو در این دوره نیز

۱ ابن عدیم، بغیة‌الطلب، ج ۱، صص ۴۱۱ - ۴۱۲؛ قلعه‌جی، همان، ص ۳۰۳؛ شیرین‌احمدالعشماوی (۲۰۱۰م)، کتابات ابن‌ابی‌طیّ الحلبی فی المصادر الاسلامیه، قاهره: مکتبه الثقافه، صص ۳۳، ۳۵-۳۶.

۲ ابن‌شحنه، همان، ص ۸۷.

۳ ابن عدیم، بغیة‌الطلب، ج ۳، ص ۱۲۰۶؛ ابن‌شحنه، همان، صص ۸۷-۹۱؛ سبیتی، همان، ص ۱۲۹.

۴ نک: ابن عدیم، بغیة‌الطلب، ج ۱، صص ۶۲ و ۴۱۱؛ نصرالله، همان، صص ۳۱-۳۲.

۵ ابن‌شحنه، همان، ص ۸۵؛ همچنین نک: ابن‌شداد، همان، ج ۱، ص ۱۴۷.

۶ ابن‌شحنه، همان، ص ۸۶؛ طباطبائی الحلبی، همان، ج ۱، ص ۲۸۰؛ قلعه‌جی، همان، ص ۳۰۵؛ کردعلی، همان، ج ۶، ص ۱۵۵.

۷ عبدالمولی، همان، ص ۱۲؛ نصرالله، همان، ص ۸۶؛ زکار، همان، ص ۷۰.

همانند دوره بنی‌حمدان، شاهد رشد و رونق مذهب شیعه در شمال شام به ویژه شهر حلب هستیم.^۱ در عصر بنی‌مرداس، در حلب، تعداد شیعیان از سنین بیشتر بود و بخش عمده شیعیان هم پیرو مذهب امامیه بودند.^۲ ابن‌بطلان (د: ۴۵۸ هـ.ق)، طیب نصرانی که در زمان ثمال بن صالح (معدولوه) از حلب بازدید داشته و مدت زیادی را در حلب گذرانده،^۳ در خاطراتش - که به دوست مورخ خود هلال بن محسن صابی ارسال کرده است - می‌نویسد: در شهر حلب فقها بر مذهب امامیه فتوا می‌دادند.^۴ پیروان سایر مذاهب شیعه بسیار اندک بودند و منابع از فعالیت محدود اسماعیلیان در منطقه جبل‌السماق در سرزمین (روستای بزرگی نزدیک حلب)،^۵ و نیز از فعالیت دروزی‌ها در زمان حکومت نصر بن صالح در همان منطقه گزارش داده‌اند.^۶

به نظر ذهبی، مذهب شیعه در دوره بنی‌مرداس در شام رایج بود. وی در وفیات سال ۴۲۶ هـ.ق، مرگ مردی به نام محمد بن رزق الله معروف به ابوبکر منینی را گزارش کرده است و به نقل از ابوالولید دربندی می‌گوید: او تنها عالم در سرزمین شام و کنیه‌اش ابوبکر بوده است.^۷ سکونتگاه شیعیان حلب محله‌ای در اطراف مشهد الدکک، و محل سکونت اهل سنت ظاهراً در شمال شهر حلب در منطقه‌ای خاص به نام بحیستا بوده است.^۸ از علمای معروف سنی این دوره، ابوالحسن سالم بن علی معروف به ابن حَمّامی است که تا سال ۴۶۵ زنده بود؛ ولی از آثارش چیزی باقی نمانده است.^۹ هنگامی که بنی‌مرداس در زمان محمود بن نصر، از فاطمیان روی گردانیدند و دعوت عباسیان را پذیرفتند، از فتوای فقهی این عالم سنی بهره می‌گرفتند.^{۱۰} درباره آداب و رسوم و مراسم مذهبی شیعیان حلب در این دوره، اطلاعات چندانی در دست نیست. گویا مراسم عزاداری روز عاشورا و شادمانی عید غدیر انجام می‌گرفته است.^{۱۱}

۱ غزی، همان، ج ۳، ص ۶۴.

۲ زکار، همان، صص ۲۱۲-۲۱۴؛ نصرالله، همان‌جا؛ العشماوی، همان، ص ۳۶.

۳ ابن‌العبری (۱۳۶۴)، تاریخ مختصر الدول، ترجمه محمدعلی تاج پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران: اطلاعات، ص ۲۵۸.

۴ به نقل از: یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۸۳؛ ابن‌عدیم، بغیة الطلب، ج ۱، ص ۶۱؛ علی بن یوسف قفطی (۱۳۴۷)، تاریخ الحکماء، تهران: دانشگاه تهران، ص ۴۰۲؛ طبایح الحلبی، همان، ج ۱، ص ۲۹۹.

۵ ابن شداد، همان، ج ۱، ص ۴۸؛ زکار، همان، ص ۲۱۳.

۶ ابن‌عدیم، زبده الحلب، ج ۱، صص ۲۴۸-۲۴۹، ج ۲، ص ۱۲۲؛ ابن‌عدیم، بغیة الطلب، ج ۱، صص ۲۸۰-۲۸۲؛ ابن‌شحنه، همان، ص ۳۵.

۷ ذهبی، همان، ج ۱۷، ص ۴۵۳.

۸ زکار، همان، ص ۲۱۴؛ غزی، همان، ج ۲، ص ۱۶۱.

۹ ابن‌عدیم، بغیة الطلب، ج ۷، صص ۴۱۵۵-۴۱۵۶.

۱۰ زکار، همان، صص ۲۱۴-۲۱۵.

۱۱ همان، ص ۲۱۴.

این‌عده در ذکر احوال سالم بن علی (ابن حتمی)، از آتش گرفتن خزانه‌الصفویه در سال ۴۶۶ در فتنه‌ای میان شیعه و سنی در یکی از روزهای عاشورا خبر می‌دهد که این رویداد دلیلی بر برگزاری مراسم عاشورا در این دوره است.^۱

نفوذ تشیع در عصر مرداسی‌ها چندان بود که آثار آن تا مدت‌ها بر فضای فرهنگی و مذهبی شهر حلب باقی ماند.^۲ تعداد شیعیان در این شهر به اندازه‌ای افزایش یافت که به اهل سنت به سختی اجازه ساخت مدرسه می‌دادند.^۳

نفوذ علمای شیعه و رونق حوزه علمی حلب

از جلوه‌های درخشان عصر بنی‌مرداس که از رونق مذهب شیعه در این دوره حکایت می‌کند، نفوذ و اعتبار علمای شیعی در مرکز این حکومت یعنی شهر حلب است. نفوذ فاطمیان و تشکیل دو حکومت شیعی، نخست حمدانیان و سپس بنی‌مرداس در این شهر، فضای مناسبی برای رشد و تربیت عالمان شیعی مذهب فراهم آورد تا با تدریس و تألیفات ارزشمند خود به نشر مذهب تشیع و مکتب اهل بیت^(ع) پردازند.

پس از حمدانیان، در دوره حکومت بنی‌مرداس، حوزه علمی شیعی حلب به رشد و شکوفایی خاصی رسید و عالمان بسیاری از این حوزه سر برآوردند که نام بسیاری از آنها و آثارشان از بین رفته و این پشتوانه فرهنگی غنی به نسل‌های بعد انتقال نیافته است؛^۴ به ویژه با از بین رفتن کتاب ابن‌ابی‌طیّ به نام *الحاوی فی رجال الشیعة الاسلامیه* بسیاری از آنها گمنام ماندند^۵ و تنها نام برخی از آنها در مصادر دیگر بر جای مانده است.

شواهد متعدد حضور فعال علمای امامی در حلب، گویای ارتباط سیاسی- مذهبی امرای

۱ ابن‌عدیم، همان‌جا؛ همچنین نک: ابوالعلاء معری، *تعریف القدما بابی العلاء*، صص ۵۵۶-۵۵۷.

۲ نک: نصرالله، همان، صص ۱۱۱-۱۱۴.

۳ ابن‌شداد در *الدر المنتخب* می‌نویسد: «در سال ۵۱۳ هجری بنای مدرسه‌ای برای شافعی‌ها به نام مدرسه زجاجیه آغاز شد، اما حلبی‌ها اجازه ساخت آن را نمی‌دادند زیرا تشیع بر آنجا غالب بود. هر چه شافعی‌ها در روز می‌ساختند، مردم شبانه آن را خراب می‌کردند. در نهایت با وساطت حاکم حلب و درخواست وی از شریف زهره بن علی - عالم شیعی وقت - شیعیان از تخریب آن مدرسه دست کشیدند و مدرسه زجاجیه بنا شد.» (ابن‌شداد، ج ۱، ص ۲۴۱؛ همچنین نک: ابن‌شحنه، صص ۱۰۹-۱۱۰؛ طباطبائی، همان، ج ۴، ص ۲۳۸، ج ۱، صص ۴۴۵-۴۴۶).

۴ حسین وائقی (۱۳۸۴)، *الشیعه فی کتاب بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، قم: انتشارات دلیل ما، ص ۴۷.

۵ نک: رسول جعفریان (۱۳۷۹)، «تشیع در حلب و بازمانده کتاب الحاوی»، *مقالات تاریخی*، قم: انتشارات دلیل ما، صص ۸۹-۱۰۴؛ همچنین نک: العنشاوی (۲۰۱۰م)، *کتابات ابن ابی طیّ الحلبی فی المصادر الاسلامیه*، قاهره: مکتبه الثقافه.

مرداسی و عالمان شیعی و اهتمام مرداسیان به نشر مذهب شیعه است. عالمان شیعی مورد احترام و حمایت امرای مرداسی بودند و برخی از آن‌ها به مقام و منصب عالی رسیدند.^۱ علما نیز از این فرصت استفاده کردند و در مسجدها و نیز در خانه‌های خود به تعلیم شاگردان و نشر معارف شیعه پرداختند.

حوزه علمی حلب پس از درگذشت فرزند شیخ طوسی در نجف به سال ۵۴۰ و مهاجرت برخی شاگردان شیخ مفید (د: ۴۱۶ هـ.ق) و سید مرتضی (د: ۴۳۶ هـ.ق) به این شهر اهمیت خاصی یافت. با تلاش این شاگردان، بسیاری از طلاب و علما در حوزه علمی حلب گرد آمدند و مقدمات رونق و شکوفایی آن را فراهم آوردند.^۲

از جمله این شاگردان، ابویعلی حمزه بن عبدالعزیز دیلمی معروف به «سلار» (سالار) است. وی از شاگردان شیخ مفید و سید مرتضی بود^۳ که به عنوان نماینده سید مرتضی به حلب آمد و مسئول پاسخ‌گویی به مسائل شرعی شیعیان شد.^۴ از او کتابی به نام *المراسم العلویة فی الاحکام النبویة* باقی مانده است.^۵

ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه جعفری از مفاخر شاگردان شیخ مفید و داماد و جانشین وی،^۶ از علمای بلندآوازه شیعه است که از عراق به حلب مهاجرت کرد.^۷ او در سال ۴۶۳ هـ.ق در بغداد درگذشت.^۸ ابو محمد حسن بن عبدالواحد العین زری از علمای شیعی است که در عصر بنی مرداس به حوزه علمی حلب وارد شد. وی از شاگردان شیخ طوسی است^۹ و تصانیفی در شیعه دارد که از جمله آن‌ها *عیون الادله* است.^{۱۰} ابوابراهیم محمد بن جعفر بن محمد حرّانی هم از علما و شعرای شیعی مذهب است که از حرّان به حلب آمد و مدتی در این شهر اقامت گزید.^{۱۱} علاوه بر علمای شیعی که به حلب مهاجرت کردند، در خود این شهر نیز علمای نامداری

۱ زکار، همان، ص ۲۱۶.

۲ سبیتی، همان، ص ۱۲۹؛ طرابلسی، همان، ص ۷۲؛ نصرالله، همان، صص ۸۹ - ۹۰.

۳ آغابزرگ طهرانی (۱۳۹۱/ق ۱۹۷۱م)، *طبقات اعلام الشیعه*، تحقیق علی نقی منزوی، ج ۵، بیروت: دار الکتب العربی، ص ۸۶.

۴ امین، همان، ج ۷، ص ۱۷۰؛ نصرالله، همان، صص ۹۰ - ۹۲.

۵ طهرانی، همان، ج ۵، ص ۸۶؛ محمد بن علی ابن شهر آشوب (۱۳۸۰/ق ۱۹۶۱م)، *معالم العلماء*، نجف: مطبعة الحیدریه، ص ۱۳۵.

۶ نجاشی، ص ۴۰۴.

۷ ابن عدیم، *بغیة الطلب*، ج ۱۰، ص ۴۶۵۸.

۸ ابن جوزی، همان، ج ۱۶، ص ۱۳۷؛ نجاشی، همان جا.

۹ طهرانی، همان، ج ۵، ص ۵۲.

۱۰ ابن عدیم، همان، ج ۵، صص ۲۴۵۸ - ۲۴۵۹.

۱۱ طهرانی، همان، ج ۵، ص ۱۵۷.

تربیت شدند که با تلاش خود نام حوزه علمی حلب را پر آوازه ساختند. نخستین دانشمند بلندآوازه شیعی حلب در عصر مرداسیان، ابوالصلاح تقی‌بن‌نجم‌الحلبی (د: ۴۴۷هـ.ق) است که در کتاب‌های فقه و رجال به «ابوالصلاح حلبی» معروف است. وی چندین بار به بغداد مهاجرت کرد و مدتی نزد شریف مرتضی و شیخ طوسی تعلیم دید.^۱ شیخ طوسی در کتاب *الرجال* خود از ابوالصلاح حلبی شاگرد خود یاد می‌کند و می‌نویسد: «تقی‌بن‌نجم‌الدین حلبی، دانشمندی موثق و دارای کتابهایی است، نزد ما و سید مرتضی تحصیل کرده است». وی پس از مدت‌ها تحصیل در بغداد، به حلب بازگشت و در حوزه علمی این شهر مجلس درس دایر کرد.^۲ ابوالصلاح حلبی سال‌ها به عنوان نماینده سیدمرتضی به تعلیم و تربیت شاگردان نامی و انتشار فقه و حدیث شیعه و تألیف و تصنیف آثار گرانمایه همت گماشت.^۳ وی برخی از این آثار، از جمله *التدبیر الصّحّه* را در سایه حمایت‌های شهبان الدوله نصر بن صالح مرداسی تألیف کرد.^۴

عالم دیگر، اسماعیل بن احمد بن اسماعیل‌الحلبی است که به نقل ابن‌ابی‌طی، از علمای برجسته در حدیث و فقه بوده و در سال ۴۴۷ از دنیا رفته است.^۵ فرزند وی نیز از علمای شیعی حلب بود.^۶

شیخ ابوالحسن ثابت بن‌اسلم بن عبدالوهاب‌الحلبی، از شاگردان برجسته ابوالصلاح حلبی، از دیگر علمای شیعه دوره مرداسی است که مسئول کتابخانه شهر حلب بوده است.^۷ اسماعیلیان به سبب کتابی که وی درباره چگونگی پیدایش این مذهب و نقاط ضعف آن نگاشته بود، او را در سال ۴۶۰ به شهادت رساندند.^۸ پس از قتل وی، کتابخانه ارزشمند او را نیز طعمه آتش نمودند که هزاران جلد کتاب - غالباً اهدا شده در دوره بنی‌حمدان را در بر می‌گرفت.^۹

حیدر بن‌الحسن بن‌احمد‌الحلبی در زمان محمود بن نصر بن صالح در مسجد جامع این شهر

۱ ابن‌شهر آشوب، همان، ص ۲۹؛ ذهبی، همان، ج ۱۸، ص ۱۴۳؛ طهرانی، همان، ج ۵، ص ۳۹، ۷۱؛ نصرالله، همان، ص ۹۴؛ طباطبائی، همان، ج ۴، ص ۷۷.

۲ محمد بن حسن طوسی (۱۳۸۱/ق ۱۹۶۱م)، *رجال الطوسی*، نجف: مطبعة الحیدریه، ص ۴۵۷.

۳ طباطبائی، همان‌جا؛ امین، همان، ج ۳، ص ۶۳۴ - ۶۳۵.

۴ علی‌دوانی (۱۳۶۳)، *مفاخر اسلام*، ج ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۳۲۵.

۵ ابن‌اثیر، همان، ج ۵، ص ۲۲۷ و ۲۳۴؛ طباطبائی، همان، ج ۴، ص ۷۸.

۶ طهرانی، همان، ج ۵، ص ۴۱؛ همچنین نک: ابن‌عدیم، *بغیة الطلب*، ج ۳، ص ۱۲۴۰.

۷ همان‌جا، طهرانی، همان، ج ۵، ص ۷۱.

۸ ذهبی، همان، ج ۱۸، ص ۱۷۶.

۹ ذهبی، همان، ج ۱۸، ص ۱۷۶؛ طباطبائی، همان، ج ۴، ص ۱۸۹.

۱۰ ذهبی، همان‌جا؛ طهرانی، همان، ج ۵، ص ۴۱؛ نصرالله، همان، ص ۹۷.

خطبه می‌گفت. او کتابی با عنوان *الحدائق* در منقبت حضرت علی^(ع) نگاشت.^۱ از دیگر بزرگان شیعی حلب در عصر بنی‌مرداس، ابوعلی حسن بن احمد بن علی بن معلم الحلبی، ادیب، شاعر، فقیه و متکلم منسوب به آل خشاب^۲ است. از وی دو کتاب ارزشمند به نام‌های *التاجی* و *معالم الدین* در خصوص مذهب شیعه باقی مانده است.^۳ ابوعلی بن معلم تا سال ۴۵۳ هجری زنده بود. حاکمان مرداسی به وی توجه خاصی داشتند؛ به گونه‌ای که پس از مرگش، معزالدوله شمال، طی مکتوبی از مقام علمی او تقدیر کرد.^۴

شاعران شیعی دربار بنی‌مرداس

یکی دیگر از جلوه‌های رونق تشیع در مرکز حکومت بنی‌مرداس وجود شعرای شیعی مذهب در دربار حکومت آنان بود. از بین این شاعران، سه تن به مقام‌های عالی رسیدند و لقب امیر گرفتند.^۵ نخستین آن‌ها ابو الفتح حسن بن عبدالله معروف به ابن‌ابی حُصَیْنَه مَعْرَی (د: ۴۵۷ هجری) بود^۶ که سال‌ها در دربار بنی‌مرداس حضور داشت.^۷ وی در سال ۴۳۷ هجری از سوی امیر شمال بن صالح - مرداسی نزد المستنصر فاطمی رفت و در آنجا قصیده‌ای در مدح او سرود. او در این قصیده طولانی ائمه اطهار را نیز ستوده است.^۸

ابو محمد عبدالله بن محمد بن سنان خَفَاجِی (د: ۴۶۶ هجری) از شیعیان امامی مذهب دربار مرداسیان بود^۹ که اشعاری در مدح اهل بیت^(ع) دارد. او مدتی به معرفه النعمان رفت و از محضر ابو العلاء مَعْرَی - شاعر بزرگ سده چهارم هجری قمری^{۱۰} - بهره گرفت. وی در امور سیاسی

۱ ابن‌عدیم، *بغیة الطلب*، ج ۶، صص ۳۰۱۲ - ۳۰۱۵.

۲ در این زمینه نک: زکار، همان، ص ۲۱۴؛ نصرالله، همان، ص ۱۲۸.

۳ ابن‌عدیم، همان، ج ۵، صص ۲۲۷۶؛ زکار، همان، صص ۲۱۴ و ۲۰۳.

۴ ابن‌عدیم، همان، ج ۵، صص ۲۲۸۳ - ۲۲۸۴.

۵ زکار، ص ۲۵؛ همچنین نک: حسین سبیتی (۱۴۲۳/ق/۲۰۰۲م)، «المرداسیون»، *دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة*، ج ۲، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، صص ۲۷۰-۲۸۰. دیوان این شاعران بر جای مانده و از بین اشعار آن‌ها می‌توان به اوضاع اجتماعی و فرهنگی حلب در عصر بنی‌مرداس پی برد (زکار، همان، ص ۲۲۲).

۶ ابن‌جوزی، همان، ج ۱۶، صص ۷۶ و ۱۷۵؛ ابن‌تغری بردی، همان، ج ۵، ص ۷۵؛ صفدی، همان، ج ۸، ص ۲۲۲.

۷ رک: ابن‌ابی‌حصینه (۱۴۱۹/ق/۱۹۹۹م)، *دیوان*، ج ۱، بیروت: دارصادر، صص ۶-۱۶.

۸ یاقوت حموی (بی‌تا)، *معجم الادب*، ج ۱۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۹۰؛ یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۲۸۳؛

طباطبائی الحلبی، همان، ج ۴، ص ۱۸۰؛ ابن‌ابی‌حصینه، همان، ج ۱، صص ۱۷-۱۹.

۹ زکار، همان، ص ۲۱۶؛ طباطبائی الحلبی، همان، ج ۴، ص ۱۹۱.

۱۰ نک: یاقوت، *معجم الادب*، ج ۳، صص ۱۰۷ - ۱۰۸؛ طباطبائی الحلبی، همان، ج ۴، ص ۷۸.

نیز فعالیت می‌کرد و در سال ۴۳۵ از سوی بنی‌مرداس به عنوان سفیر راهی قسطنطنیه شد.^۱ ابوالفتیان محمد بن سلطان بن محمد بن حیوس ملقب به صفی‌الدوله (د: ۴۷۳ هـ) از دیگر شعرای نامدار دربار بنی‌مرداس بود.^۲ او در دمشق به دنیا آمد و پیش از حضور در دربار مرداسیان، شاعر فاطمیان به شمار می‌آمد. پس از فاطمیان، به طرابلس رفت و مدتی شاعر دربار بنی‌عمار شیعی مذهب بود.^۳ پس از آن، به مرداسیان پیوست و نخستین بار در سال ۴۶۵ هـ محمود بن نصر مرداسی را ستود.^۴ سپس در مدح امرای مرداسی قصیده‌های بسیار سرود.^۵ هنگامی که ستاره اقبال دولت بنی‌مرداس در حلب افول کرد و دولت بنی‌عقیل روی کار آمد، او به مدح و ثنای مسلم بن قریش عقیلی پرداخت. وی سرانجام به سال ۴۷۳ در حلب از دنیا رفت.^۶ با توجه به حضور او در دربارهای حکومت‌های شیعی، در شیعه بودنش شکی نیست، ولی این که او اسماعیلی مذهب و یا امامی مذهب بوده باشد، مشخص نیست.

نتیجه‌گیری

بنی‌مرداس خاندانی شیعه مذهب از قبیلهٔ بنی‌کلاب بودند که در آستانهٔ سدهٔ پنجم هجری قمری (۴۱۴) در شهر حلب به حکومت رسیدند، تا آن که در سال ۴۷۳ بنی‌عقیل قدرت سیاسی را از دست آن‌ها بیرون آوردند.

از مطالعهٔ اوضاع سیاسی و شرایط تاریخی حلب آن روز چنین بر می‌آید که نشر مذهب تشیع که از عصر حمدانیان آغاز شده بود، در دورهٔ بنی‌مرداس نیز تداوم یافت و امرای مرداسی با حمایت از عالمان و قهیهان و دانشمندان و شاعران شیعی، نقش مهمی در این عرصه ایفا کردند؛ چنان که برخی از عالمان شیعی در سایهٔ حمایت‌های بنی‌مرداس آثاری تألیف کردند. در نتیجه در عصر بنی‌مرداس شاهد شکوفایی و رونق حوزهٔ علمیهٔ حلب، گسترش تعداد شیعیان و رواج مذهب تشیع هستیم.

۱ ابن خلکان، همان، ج ۵، ص ۲۷۳؛ ابن قلانسی، همان، ص ۹۱؛ ابن تغری بردی، همان، ج ۵، ص ۹۶؛ ابی‌الاعلامی، همان، ص ۵۵۷.

۲ ابن خلکان، همان، ج ۴، ص ۴۳۸.

۳ ابن عدیم، *زبدۃ‌الحلب*، ج ۱، صص ۴۰ و ۲۰۰؛ طرابلسی، همان، ص ۱۴۰.

۴ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۶۳؛ ابن خلکان، ج ۴، ص ۴۳۸؛ ابن عدیم، همان، ج ۱، ص ۴۰؛ ذهبی، همان، ج ۱۸، ص ۳۵۸؛ عبدالمولی، همان، ص ۱۵۹.

۵ ابن قلانسی، همان، ص ۱۰۸؛ عظیمی‌الحلی، همان، ص ۳۴۹.

۶ ابن عدیم، همان، ج ۱، صص ۲۶۸ و ۳۰۵؛ ابن تغری بردی، همان، ج ۵، ص ۱۱۲.

منابع و مأخذ

- ابن ابی حصینه، ابی الفتح حسن بن عبدالله (۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م)، دیوان ابن ابی حصینه، تحقیق محمد اسعد اطلس، بیروت: دار صادر، الطبعة الثانية.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۶ق/۱۹۹۶)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن تغری بردی الاتابکی، جمال الدین ابی المحاسن یوسف [بی تا]، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و قاهره، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي المؤسسة المصرية العامه.
- ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن بن علی محمد (۱۴۱۲ق)، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حنبلی الحلبي (۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م)، الزبد و الصرب فی تاریخ حلب، تحقیق محمد التنوچی، کویت: منشورات مرکز المخطوطات و التراث.
- ابن حوقل، محمد (۱۹۳۸م)، صورة الارض، لیدن: بریل.
- ابن خردادبه (۱۳۷۰)، المسالك و الممالک، ترجمة حسین قره چانلو، تهران: نشر نو.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۹۱ق/۱۹۷۱م)، تاریخ ابن خلدون، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- ابن خلکان، (۱۳۶۴ ش)، وفيات الاعیان، تحقیق احسان عباس، قم: منشورات شریف الرضی.
- ابن شحنة، ابی الفضل محمد (۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م)، الدر المنتخب فی تاریخ مملكة حلب، دمشق: دار الكتاب العربی.
- ابن شداد (۲۰۰۶)، الاعلام الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره، دمشق: منشورات وزارة الثقافة.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۸۰ق/۱۹۶۱م)، معالم العلماء، نجف: مطبعة الحیدریه.
- ابن العبری، غریغورس ابوالفرج اهرن (۱۳۶۴)، تاریخ مختصر الدول، ترجمة محمد علی تاج پور و حشمت الله ریاضی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ابن العدیم [بی تا]، بقیة الطلب فی تاریخ حلب، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دار الفکر.
- ---- (۱۳۷۰ق/۱۹۵۱)، زبدة الحلب من تاریخ حلب، تحقیق سامی الذّهان، دمشق: المعهد الفرنسي بدمشق.
- ابن القلانسی، ابی یعلی حمزه (۱۹۰۸م) ذیل تاریخ دمشق، بیروت: مطبعة الباء السوینیین.
- ابی العلام معری (۱۳۶۳ق/۱۹۴۴م)، تعریف القداما بابی العلام، قاهره: هیئة المصرية العامة الكتاب.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م)، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- باسورث، کلیفورد ادmond (۱۳۷۱)، سلسله های اسلامی، ترجمة فریدون بدره ای، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- بلاذری (۱۳۸۱ق/۱۹۷۸م)، فتوح البلدان، تحقیق رضوان محمد رضوان، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، «تشیع در حلب و بازمانده کتاب الحاوی»، مقالات تاریخی، قم: انتشارات دلیل ما.

- دوانی، علی (۱۳۶۳)، *مفاخر اسلام*، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۴۱۳ ق/م ۱۹۹۳)، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الأرنؤوط و محمد نعیم العرقسوسی، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة التاسعة.
- زکار، سهیل [بی‌تا]، *امارة حلب*، دمشق: دار الكتاب العربي.
- سامر، فیصل (۱۳۸۰)، *دولت حمدانیان*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- سیبئی، حسن (۱۴۲۳ ق/م ۲۰۰۲)، «حلب»، *دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة*، ج ۱۱، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- ---- (۱۴۲۳ ق/م ۲۰۰۲)، «المرداسیون»، *دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة*، ج ۲، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- شعث، شوقی (ایلول ۱۹۹۰م)، «امارة حلب فی عهد بنی‌مرداس و علاقاتها الخارجیة»، *دراسات تاریخیة*، ش ۳۷ و ۳۸.
- صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن ایبک (۱۴۲۵ ق/م ۲۰۰۵)، *الوافی بالوفیات*، بیروت: دارالفکر.
- طباطبائی، محمد راغب (۱۴۰۹ ق/م ۱۹۸۹)، *اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء*، تصحیح محمد کمال، حلب: دارالقلم العربي، الطبعة الثانية.
- طرابلسی، ابراهیم علی (۲۰۰۷م)، *التشیع فی طرابلس و بلاد الشام*، بیروت: دارالساقی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱ ق/م ۱۹۶۱)، *رجال الطوسی*، نجف: مطبعة الحیدریه.
- طهرانی، آقابزرگ (۱۳۹۱ ق/م ۱۹۷۱م)، *طبقات اعلام الشیعیة*، ج ۵، تحقیق علی نقی منزوی، بیروت: دار الكتاب العربي.
- عبدالمولی، محمد احمد (۱۹۸۵م)، *بنو مرداس الکلابیون فی حلب و شمال الشام*، اسکندریه: دار المعرفة الجامعیة.
- العشماوی، شیرین احمد (۲۰۱۰م)، *کتابات ابن ابی طیّ الحلبی فی المصادر الاسلامیة*، قاهره: مکتبة الثقافة.
- عظیمی الحلبی، محمد بن علی (۱۹۸۴م)، *تاریخ حلب*، تحقیق ابراهیم زعرور، دمشق: [بی‌تا].
- قفطی، علی بن یوسف (۱۳۴۷)، *تاریخ الحکماء*، به کوشش بهمن دارائی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- قلعه‌جی، عبدالفتاح رؤاس (۱۴۰۹ ق/م ۱۹۸۹)، *حلب التدیمة والحدیثه*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- قلقشندی، ابی‌العباس احمد بن علی [بی‌تا]، *صبح الاعشی*، ج ۱، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي المؤسسة المصریة العامه.
- کامل البالی الحلبی (غزّی)، (۱۴۱۹ ق/م ۱۹۹۹)، *نهر الذهب فی تاریخ حلب*، حلب: دارالقلم العربي بحلب، الطبعة الثانية.
- کردعلی، محمد (۱۴۰۳ ق/م ۱۹۸۳)، *خطط الشام*، دمشق: مکتبة النوری، الطبعة الثالثة.
- معاصبیدی، خاشع (۱۹۷۵م)، *الحیة السیاسیة فی بلاد الشام خلال العصر الفاطمی*، بغداد: دار الحریة

للطباعة.

- مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی (۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۶ م)، *أتعاظ الحنفا بأخبار الائمة الفاطميين الخلفاء*، ج ۲، قاهره: وزارة الاوقاف.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۵۴)، *سفرنامه*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- نجاشی، احمد بن علی [بی تا]، *رجال النجاشی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نصرالله، ابراهیم (۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م)، *حلب و التشیع، بیروت: مؤسسه الوفا.*
- واثقی، حسین (۱۳۸۴)، *التشیع فی کتاب بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، قم: دلیل ما.
- یاقوت حموی [بی تا]، *معجم الادبا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.*
- _____ (۱۳۹۹ ق/ ۱۹۷۹ م)، *معجم البلدان، بیروت: دار صادر.*

Archive of SID